

۵۹

۱۴۰۶ روز تنهایی



پونه نیکوی

مجموعه
شعر

سرشناسه: نیکوی، پونه، ۱۳۶۴ -

عنوان و نام پدیدآور: ۶۴۱۰ روز تنهایی (مجموعه شعر)، پونه نیکوی.

مشخصات نشر: تهران: موسسه فرهنگی هنری شهرستان ادب، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۷۲ ص، ۱۴/۵۰×۲۱/۵۰ س.م.

عنوان گسترده: شش هزار و چهار صد و ده روز تنهایی.

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴

موضوع: Persian poetry -- 20th century

شاپک: ۷-۵۴-۸۱۴۵-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

رده بندی دیویی: ۸۱۰/۶۲

رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ش ۷۸۵۲ / PIR۸۲۶۷

شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۵۷۶۲۶

تهران، خیابان شریعتی، بالاتر از سهراب طالقانی، روبروی سینما صحرا،

پلاک ۱۶۸، طبقه ۴- موسسه فرهنگی هنری شهرستان ادب

تلفن: ۷۷۵۳۳۷۰۲

www.shahrestanadab.com

<http://adabbook.ir>

شهرت ادب

۶۴۱۰ روز تنهایی

مجموعه شعر

پونه نیکوی

ویرایش: تحریریه‌ی شهرستان ادب

طراحی جلد: پژمان رحیمی‌زاده

حروفنگاری و آماده‌سازی: کارگاه هنری شهرستان ادب

چاپ اول: بهار ۱۳۹۶

چاپ و صحافی: پردیس دانش

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

شاپک: ۷-۵۴-۸۱۴۵-۶۰۰-۹۷۸

حق چاپ محفوظ و مخصوص انتشارات شهرستان ادب است.

هرگونه استفاده، منوط به اجازه‌ی کتبی از ناشر است.

این اثر تحت حمایت «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» قرار دارد

فهرست

از بارش دوباره‌ی باران با من بگو.....	۷	۱
هنوز داغِ دلم تازه‌ست ز امحاجبِ دلم این نیست.....	۹	۲
من از این زندگی چه می‌خواهم جبرِ آسماں با تو.....	۱۱	۳
گویی هزار سال بدونِ تو زیستم.....	۱۳	۴
لب‌وا کنم زخمم که با لبخند می‌میرم.....	۱۵	۵
جوانه می‌زند انگار تاول از بدنت.....	۱۷	۶
فریاد برمی‌خیزد از آروند هر روز.....	۱۹	۷
خدا کوه را آفرید، خدا سنگ را آفرید.....	۲۱	۸
جایی برای حرف نمی‌ماند وقتی که بی‌قراری و دلتنگی.....	۲۳	۹
باز هم عصر جمعه می‌ریزی، چای خوش طعم دارچینی را.....	۲۵	۱۰
قلبم میان صندوقی کوچک در بین یخ‌ها می‌تپد انگار.....	۲۷	۱۱
با من مدارا کن کمی من مرد میدان نیستم.....	۲۹	۱۲
باران همیشه خاطره‌ای خوش برای ماست.....	۳۱	۱۳
بهتر از این هم می‌شود حالم وقتی دوباره عاشقم باشی.....	۳۳	۱۴

۱۵	کمتر از جشن عسل نیست که در کندوهاست..... ۳۵
۱۶	باز خنده‌ی انار را بهانه می‌کند..... ۳۷
۱۷	امشب امشب شب عاشق شدن آهوهاست..... ۳۹
۱۸	سال‌ها باید از تو بنویسند تا که شاید اشاره‌ای باشد..... ۴۱
۱۹	عرصه را تنگ می‌کند بر من مهربانی و سربه‌زیری تو..... ۴۳
۲۰	تنها گواه و معجزه‌ی باغ برگ نیست..... ۴۵
۲۱	اعتراض می‌کنم به مرگ این درخت‌ها..... ۴۷
۲۲	که بر طبل جنگ کوبید و خنجری وقف چکمه‌لیسان کرد..... ۴۹
۲۳	باز من چو نیم رابت صفحه‌ی شطرنج را..... ۵۱
۲۴	قرن‌ها رشد پیدا شدند تا محرم..... ۵۳
۲۵	کجا سر بذارم که بدار کنم..... ۵۵
۲۶	زمزمه کن بخون نه شب گذ..... ۵۷
۲۷	دستاتو بخشیدی ولی از ایفتادی..... ۵۹
۲۸	یه حرفایی واسه گفتن همیشه..... ۶۱
۲۹	رو عرشه یه موشک می‌خواد پر بگیره..... ۶۴
۳۰	بیدار شو وجدان خواب‌آلود..... ۶۷